



**اگر محمد مهدی یک بیمار نیازمند به عضو بود، آیا انتظار نداشتیم کسی این نیکی و بزرگواری را در حق ما بکند؟ حالا چشم امید چند بیمار هم به ما دوخته شده و جان شان در خطر است**



## اهدای اعضای محمد مهدی ۱۳ ساله، زندگی بخشد امانت خدا

تقدیر محمد مهدی این بود که بیشتر از ۱۳ سال زندگی نکند، بیشتر از ۱۳ سال روی خورشید و پدر و مادرش را نبیند و بازی نکند، اما بجز این ها، خداوند چیز دیگری هم در طالع او نوشته بود؛ این که در پایان ۱۳ سال عمر کوتاهش، بزرگترین افتخار زندگی اش را با نثار جان و اهدای اعضای بدنش به بیماران نیازمند به اهدای عضو رقم بزند و بعد از دنیا برود.



تازه چند روز از مرگ محمد مهدی کوچک می گذرد و پدر هنوز پیراهن سیاه به تن دارد. فضای کوچک خانه هم دستکمی از حال و هوای دل غمبار پدر ندارد. تحمل جای خالی محمد مهدی برای همه سخت است. هنوز هم باورشان نمی شود او را از دست داده اند. همه چیز خیلی ناگهانی اتفاق افتاد. آن قدر که همه فکر می کنند خواب دیده اند و خیلی زود از کابوس بیدار می شوند، اما نه کابوس است و نه توهم، محمد مهدی رفته است. روزی که پسرک شان دنیا آمد، پزشکان متوجه شدند مشکل دارد. او یک نوزاد سی پی (فلج مغزی) بود که هم مبتلا به صرع بود و دارو مصرف می کرد و هم آسم داشت.

### پسرمانت خدا بود

حسین حسینی، پدر محمد مهدی می گوید: «تا قبل از این که حالش خیلی بد شود و فوت کند، یکی دو بار هم این طور شده بود، اما بعد از مراجعه به بیمارستان حالش خوب شده بود، ولی این بار با دفعات قبل خیلی فرق می کرد. محمد مهدی آن روز نفس کم آورده بود و نمی توانست درست نفس بکشد. با اورژانس تماس گرفتیم و آنها هم بعد از انجام اقدامات اولیه، او را به بیمارستان ولیعصر و سپس به بیمارستان موسوی زنجان منتقل کردند. یک هفته در بیمارستان بستری بود و در این مدت پزشکان شرایط او را زیر نظر داشتند. پزشکان

پزشکان از زنده ماندن پسرمان قطع امید کرده اند، آن قدر که حتی نیم درصد هم احتمال نمی دهند او دوباره به دنیا و زندگی مجدد برگردد. حتی برای این که به همسرم ثابت کنم اهدای عضو پسرمان مشکل شرعی و قانونی ندارد، شرعیات مربوط به اهدای عضو را هم گفتم که مراجع هم تایید کرده اند. به او گفتم اگر محمد مهدی یک بیمار نیازمند به عضو بود، آیا انتظار نداشتیم کسی این نیکی و بزرگواری را در حق ما بکند؟ حالا چشم امید چند بیمار هم به ما دوخته شده و جان شان در خطر است، آیا انصاف است اعضای بدن پسرمان را همین طور به خاک بسپاریم؟ با شنیدن این حرف ها، همسرم بالاخره قانع شد و بعد از امضای فرم، قرار شد اعضای بدن پسرمان را اهدا کنیم.»

بعد از انجام هماهنگی های لازم با بیمارستان سینا برای انجام عمل اهدای عضو، قرار شد آمبولانس حامل پیکر محمد مهدی او را از زنجان به تهران ببرد. پدر در ابتدا می خواست خود این اقدام را انجام دهد، اما مسوولان بیمارستان سینا که می دانستند خطر کرونا در کمین است به پدر و مادرش گفتند نیازی نیست خودشان با آمبولانس بیایند و خود بیمارستان پیکر محمد مهدی را به بیمارستان منتقل و پس از انجام عمل جراحی جداسازی اعضا، او را با همان آمبولانس دوباره به محل زندگی اش بازمی گردانند تا مراسم تشییع پیکر او انجام شود. همین اتفاق هم افتاد و بعد از انجام عمل او و اهدای کلیه ها و کبدش به بیماران نیازمند، دوباره به زادگاهش برگردانده و تحویل پدر و مادرش شد.

### بی فرهنگی بعضی از افراد

پدر از تصمیم خود راضی است و خدا را شاکر است که پسرش وسیله ای شد تا چند بیمار از مرگ حتمی نجات پیدا کنند. او کمی سکوت می کند و ادامه می دهد: «پسر من بخاطر سی پی بودن، توانایی راه رفتن و صحبت کردن نداشت. من با همین شرایط هم عاشق فرزندم بودم. من یک کارگر ساده هستم و وقتی خسته از کار روزانه به خانه برمی گشتم، محمد مهدی با لبخند کودکانه دوست داشتنی که به صورتم می زد، خستگی را از جانم به در می کرد. وقتی او را برای هواخوری به بیرون می بردم، شاد می شد و لذت می برد، اما متأسفانه به دلیل فرهنگ پایین، برخی از افراد، نگاه خوبی به شرایط فرزندم نداشتند و نگاه ها و رفتارهای آزاردهنده ای نسبت به من و فرزندم داشتند که چرا او را در آغوش گرفته ام و چرا پسر من چنین وضعیتی دارد؟ نگاه های آزاردهنده آنها پر از سوال بود و ناراحت می کرد. در هر حال خدا را شکر می کنم که پسر من با همین شرایط هم توانست جان چند نفر را از مرگ نجات دهد.»

حدس های مختلفی در مورد وضعیت او داشتند که عفونت ریوی و فشار بالای مغز از دلایلی بود که می گفتند باعث بدحال شدن محمد مهدی شده است. بخاطر مشکل تنفسی، پزشکان احتمال دادند شاید او به ویروس کرونا مبتلا شده باشد، اما وقتی از او آزمایش های کرونا گرفتند، جواب تست او منفی بود. چند روز بعد در نهایت پزشکان مرگ مغزی محمد مهدی را به پدر و مادرش اعلام کردند و حالا آنها باید در مورد وضعیت او تصمیم می گرفتند: «با خودم اینطور فکر کردم که بدن محمد مهدی بعد از مدتی، زیر خاک از بین می رود. چه بهتر این که اعضای بدنش را ببخشیم تا چند بیمار نیازمند با گرفتن اعضای بدن پسر من زنده بمانند.»

راضی کردن مادر خانواده هم از آن کارهای سختی بود که انجامش به این سادگی نبود. مادر بود و حق داشت راحت از جسم عزیزش دل نکند. «به مادرش گفتم



تولیدکننده: انواع لوله های نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشگاهی از سایز ۸ الی ۲۴ اینچ تحت استانداردهای بین المللی API 5L / IPS و انواع لوله در زمینه های صنعتی و ساختمانی از قطر ۱۰ الی ۶۱۰ میلیمتر بر اساس استانداردهای بین المللی DIN ۲۳۹۴ می باشد

تولیدکننده انواع پروفیل و مقاطع صنعتی، ساختمانی، خودرو، تجهیزات کشاورزی و لوازم خانگی

www.savehrolling.com - info@savehrolling.com

